

نوع انسان که هر روز بیشتر بیدار میشود...!!!

م - همایونی

این روزها جهان در تب و تاب دفاع از حقوق اقلیت مذهبی مسلمان و عدم تبعیض علیه برخی از اقوام و نژادها میسوزد زیرا امضای فرمانی در کاخ سفید دخول شهروندان ۷ کشوری را که اغلب مسلمانند به آمریکا منع کرده است .

در روزهای قبل از این نیز در اغلب پایتختهای بزرگ دنیا شاهد نمایش بزرگ راهپیمائی ملیونی خانمها بخاطر هتک احترام به جنس زن بودیم . در سالهای اخیر نیز تظاهرات وسیعی در دفاع از صلح و پرهیز از جنگ ، حمایت از محیط زیست ، رعایت حقوق بشر و مواردی مشابه آن در انحاء مختلف عالم توسط جامعه های مدنی راه اندازی شد که بنوبه خود تأثیرات شگرفی در اتحاد نوع بشر داشت .



این وقایع رویکردی از نگرانیهای حاصل از مشکلات مشترك نوع انسان در این دنیای مصیبت بار امروزیست که از يك جهت بحران است و از جهت دیگر پیروزیست . در این جمعیت‌های انبوه که

این روزها به خیابانها سرازیر شده اند ناظر در هم شکستن موانعی هستیم که تفاوت ظاهری در اعتقادات دینی و آداب و مراسم مذهبی از قرنهای گذشته در ایجاد روابط نزدیک انسانی بوجود آورده و هر روز انسانها را بیشتر از یکدیگر جدا و دور کرده است . بجرأت میتوان گفت که تاریخ بشر ، تاکنون از خود چنین مشارکت عمومی گسترده ای از ملت‌های گوناگون با هر باور و اعتقادی که دارند در حمایت و پشتیبانی از حقوق حقه شهروندان مسلمان کشورهای دیگر نشان نداده بود ، این برای اولین بار است که جامعه انسانی با این شجاعت و پشتکار توان ایستادگی و مقاومت را در مقابل بزرگترین و باسابقه ترین قدرت دمکراسی در جهان باور و آنرا تجربه مینمایند .

در این اجتماعات مسالمت آمیز که هر روز از طریق رسانه های جمعی در دنیای رو به تغییرمان شاهد آن هستیم ملاحظه مینمائیم که چگونه هزاران زن و مرد ، پیر و جوان ، خرد و کلان با بلند کردن پلاکارت‌هایی که بر روی آن شعارهایی در حمایت از حقوق اقلیتها نوشته شده است از صمیم قلب فریاد و فغان دادخواهی بر می‌آورند و هیجانانگیزی ناشی از تشریک مساعیشان ،

سرما و برودت زمستان را به چنان گرمائی تبدیل میکند که در آن میتوانند قلوب خویش را با دل‌های هزاران مردمی که سال‌های مدید در جنگ و جدال مشغول بودند پیوند دهند .

" نوع انسان که هر روز بیشتر بیدار میشود^۱ " بدون اتکاء به هر مرجع و یا مبدئی شجاعانه " با هر نوع فکر محدود و تنگ نظری و تعصب^۲ " مبارزه و در تلاش و تکاپوی تأمین حوائج این جهان دائم‌التغییر است و با این قیام دسته جمعی تحولی عظیم و بنیادی در جامعه انسانی بوجود آورده است . اگر چه توقع و انتظار امضاء چنین حکمی در سرزمین آمریکا که مهد آزادی است ، پرچمدار صلح ، میزبان بزرگترین سازمانی است که در اتحاد و اتفاق اکثر



دول و ملل عالم کوشش و تلاش مینماید ، بنیانگذار و مدافع سرسخت دموکراسی و رعایت حقوق بشر در عالم بشمار میرود ، نمیرفت ولیکن اگر این فرمان از هر گوشه و کنار دیگر این دنیای پریشان حال کنونی صادر میشد ممکن بود انعکاسی به گستردگی و قایعی که امروز شاهد آنیم را نمیداشت ! این درحالیست که بیش از ۱۰۰ سال پیش حضرت عبدالبهاء در پاسخ به سؤال یکی از صاحب منصبان عالی مقام حکومت آمریکا

که پرسیده بود به چه نحو میتواند به دولت و ملت خدمت نماید چنین فرمودند :

" اگر در خیر آمریکا سعی مینمائی باید خیرخواه عموم ملل و ممالک باشی و چون عالم را وطن خویش شماری باید بکوشی که اصل حکومت فدرالی بنحوی که در حکومت آمریکا معمول است در میان عموم ملل و اقوام رواج یابد ."^۳

اگرچه صدور این حکم به نیت تأمین امنیت بیشتر آن سرزمین اتخاذ شده است و ظاهراً هزینه های جبران ناپذیری هم برای عده کثیری از مردم ذی نفع در سراسر دنیا بهمراه داشته است ولیکن نمیتوان منکر این حقیقت شد که اعلان چنین فرمانی و یا اقدامات مشابه دیگری " به منزله وسائل و وسائلی بوده اند که راه تحولات و تبدلات پر جلال و

^۱ - نظم جهانی بهائی ص ۶۰ ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم . ناشر : مؤسسه معارف بهائی کانادا

^۲ - همان کتاب ص ۵۱

^۳ - همان کتاب ص ۴۵

شکوهی را که مقدر است در این عرصه زمان نصیب نوع انسان گردد هموار کرده اند^۴ " و انگیزه مؤثری برای ترویج " تدریجی روح اخوت و اتحادی که خود بخود از میان آشفته‌گی جامعه از هم گسیخته کنونی برخاسته است^۵ " گردیده است که بالمآل می‌تواند زمینه مناسبی برای تحقق وحدت عالم انسانی در جهان بحساب آید ، زیرا اینبار گردهمائی مردم اختصاص به دسته و گروه خاصی در یک شهر و یا کشور از کشورهای دنیا نداشت که در طلب کسب امتیاز و ایجاد فرصتی برای آسایش بیشتر در زندگی روزمره خویش به خیابانها آمده باشند . اینبار دسته های انبوه مردم در جهت حفظ منافع مالی مثل درخواست اضافه حقوق و یا کم کردن ساعات کار اداری حقوق بگیران دولتی و یا بخاطر وضع قانون جدیدی در کم و بیش کردن مالیات در خیابانها حرکت نیافتاده است ، بلکه صرفاً" بخاطر وجود علائق روحی و عاطفی عمیق در روابط همه ابناء بشر است که آنها را به خیابانها کشانیده است ، بخاطر احساس همدردی و نوع پرستی است که حتی عده زیادی از مشاهیر سیاسی و هنری و ادبی در آن خطه



وسایر انحاء عالم را ترغیب نموده است که از قبل اعلان دارند که در صورت ادامه هر نوع تبعیضی بر علیه شهروندان مسلمان ، خود را مسلمان نامیده و در دفاتر تسجیل بهمین عنوان ثبت نام خواهند کرد . قطعاً" بهمین جهت است که مشاهده میشود مبارزه با لغو چنین قوانینی آنقدر دامنه دار و با

اشتراک مساعی عمومی و جدیت کامل تا رسیدن به مقصود پیگیری شده و میشود.

گزارشهای واصله که در وسائل ارتباط جمعی همه کشورها انعکاس وسیعی یافته است حاکی از آن است که در اغلب شهرهای کوچک و بزرگ عالم گروه های متنوع عظیمی از جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل مختلف هستند که با هدف و مقصدی واحد ، همگام و همزمان برای رساندن پیام خویش در حمایت از اقلیتهای مذهبی و قومی کشورهای برخاسته اند که مبعوض دولت دیگری در این جهان پهناور گردیده اند و بدین شکل بهم پیوستگی و تلفیقی بی نظیر بوجود آورده اند که چشم عالم تاکنون نظیر آنرا ندیده است . البته نباید این حقیقت را نیز از نظر دور داشت که زمینه های فراهم شدن این اجتماعات پرشکوه تاریخی که " نقطه عطف و

^۴ - همان کتاب ص ۵۵

^۵ - همان کتاب ص ۵۲

شاخصی در تاریخ تمدن بشری^۶ " محسوب خواهد گردید با وقوع حوادث خونبار و اسفناکی که در سالها و ماه های گذشته در گوشه و کنار دنیای رنج کشیده و محنت دیده ما بوقوع پیوسته است ارتباطی مستقیم دارد زیرا علت اکثر حوادث ناگوار مزبور ریشه در فهم و درک غلط نوع بشر از اصول عقاید دینی و مقصود و منظور از رسالت انبیاء داشته است که متأسفانه موجب پیدایش و پرورش احساس تفوق و برتری ، نفاق و جدائی ، نفی و تکفیر در پیروان ادیان شده است .

حضرت ولی عزیز امرالله تحقق " صلح اعظم " را متعاقب چنین زمانی بیان میفرمایند :

" اما صلح عظم بنحوی که حضرت بهاء الله مقرر فرموده اند صلحی است که عملاً باید متعاقب زمانی تحقق یابد که جنبه های روحانی و معنوی برجهان غلبه یافته باشد یعنی زمانی که جمیع نژادها و مذاهب و طبقات و ملل به هم پیوسته و تلفیق شده باشند ."^۷

چنین فعالیتها و جنبشهای بشر دوستانه روبه تزايد که نوید تغییراتی حیاتی در بنیان



جامعه کنونی میدهد اغلب خود جوش و بدون هیچگونه مصالح و منافع حزبی در مسیر ظهور و بروز همبستگی های روحی و اجتماعی نوع بشر بوجود میآید و بدون تردید هم " منبعث از احساساتی ناسنجیده و بیان امیدی مبهم و نارسا

نیست "^۸ بلکه بیانگر نیازهای ضروری و متنوع اجتماعی و احتیاجات فوری و گوناگون بهزیستی گروههای مختلف بشری در این برهه از زمان است که اگرچه ممکن است با استراتژی سیاسی معمول برخی از دولتها در جهان همخوانی نداشته باشد اما این باور را در جوامع بشری تقویت نموده است که حصولش میتواند ضامن و کافل تأمین حفظ و آسایش حقیقی نوع انسان گردد. این حقیقت از آثار باهره تبلور شعور اجتماعی و وصول عالم انسان به بلوغ فکرواندیشه است که او را به مرحله جدیدی از رشد و تکامل اجتماعی رهنمود میسازد ، یعنی مرحله جهانی شدن حیات اجتماعی . مرحله ای که اجتناب ناپذیر و انکار آن شنا کردن در جریان مخالف آب است. " روزیکه شجر عالم انسانی به ثمرنشیند و باروبرش به بر آید "^۹ و عجب در اینجاست که دخول در این مرحله اگرچه با میل و رضای اغلب جوامع بشری نبوده

^۶ - نظم جهانی بهائی ص ۵۵ ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم . ناشر: مؤسسه معارف بهائی کانادا
^۷ - نظم جهانی بهائی ص ۱۰۳ ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم . ناشر: مؤسسه معارف بهائی کانادا
^۸ - همان کتاب ص ۵۱
^۹ - همان کتاب ص ۱۰۷

و عمداً در مسیر آن با توجیه قوانین شرع و یا تحریک احساسات ملی گرایانه موانع و مشاکل متعددی را بوجود آورده اند ولیکن خوشبختانه هرکدام از آن با ظهور و بروز نوعی مشکل مشترک در بین جوامع بشری بر طرف گردیده است .

انسانها در جوامع مختلف بشری با همه رنجها و بیعدالتیهای کم و بیشی که در سنین متمادی عمرشان تجربه نموده اند اکنون بخوبی متوجه این حقیقت گردیده اند که تنها سلاح بی خطری که نه خرجهای گزافش را باید متحمل شوند و نه با بهانه جوئیهای بی اساس زمینه ای فراهم آرند که بوسیله آن خدای نکرده خونی را بریزند و دخل و تصرفی در اراده الهی نسبت به موجودیت و هستی بنده ای از بندگان الهی را بکنند بلکه بدون ایجاد فضای رعب و وحشت و تحدید جان و مال کسی قادر باشند شرورترین انسانها را به دوستی مهربان و همدل و همراه تبدیل نمایند ، ترویج اتحاد و اتفاق و پرورش احساس همدری و همفکری و حمایت کردن از یکدیگر است ، آنها بخوبی متوجه شده اند که ضایع شدن حقوق هر انسانی در هر نقطه ای از این



عالم ممکن است زمینه ساز از بین رفتن حقوق همگان باشد و زیان و ضرر هر فردی لطمه وارد شدن به امنیت اجتماعی و از بین رفتن آسایش عمومی است . عدم اعتماد روزافزون به سیاست و مذهب که متأسفانه هر دو از مسیر حقیقی خود که گسترش

عدالت و رعایت انصاف است منحرف شده اند ، آنانرا بخوبی متوجه این حقیقت انکار ناپذیر نموده است که تنها تلاش و کوششی که میتواند نوع بشر را از مواجه شدن با خطرات و حشتناک جنگی دیگر محفوظ و مصون دارد و سایه صلح و سلام دائمی را بر سر جوامع بشری بیاندازد و رفاه و سعادت نوع انسان را تأمین نماید و منجر به ساختن دنیائی بهتر برای بقائی سالمتر باشد چشم برداشتن از بیگانگی و ناظر بودن به یگانگی نوع انسان است .

حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

" چون ندای الهی بلند شد درهیکل انسان حیاتی جدید پدیدار گردید و در عالم امکان روحی بدیع دمیده شد . اینست که امروز جهان هیجان یافته و جان و وجدان نفوس به جنبش آمده و چیزی نمیگذرد که آثار این حیات جدید ظاهر شود و خفتگان را بیدار نماید ^{۱۰}"

^{۱۰} - نظم جهانی بهائی ص ۱۱۱ ترجمه و اقتباس جناب هوشمند فتح اعظم . ناشر: مؤسسه معارف بهائی کانادا

